

(248)

هو الله

یا امة البهء مدتی است از شما خبری نمیرسد و عبد البهء در هر آن ذکر ترا نماید و در نزد ورقات مقدسه ستایش از تو کند که آن مظلومه هدف تیر جفاست و مورد بلا در سبیل بها از بدایت نشو و نما هر روز مبتلا بصدمات اعدا و در این مدت فریادی ننمود و آه و فغانی بلند نکرد شکوهی ننمود بلکه بشکرانه خداوند یگانه زبان گشود که الحمد لله موفق باین بلایم و مؤید باین ابتلا این جام زهر هلاهل هر چند سرشار است ولی بمحبت دوست شیرین و گوارا باری مقصود این است که دمی فراموش نشوی و نفسی از خاطر نروی از خدا خواهم که در آن اقلیم یاران را همدم و ندیم یکدیگر نمائی و کل را باتحاد و اتفاق و محبت همراز و دمساز کنی تا از مؤانست و الفت بشور و وله آیند و وجد و طرب کنند و بر محبت و تعلق افزایند کوره هر چند پر آتش است ولی محتاج بدمست تا فضه و ذهب را بگدازد و جسم جامد مایع گردد و رخ برافروزد حرکت محتاج بمحرکست و از صبر و سکون هموم و غموم خیزد و افسردگی و پژمردگی حاصل گردد

یا امة البهء سبب حرارت قلوب شو و التهاب و انجذاب نفوس تا کل بنار الله الموقده برافروزند و بوجد و طرب آیند و نغمه و آهنگ بلند کنند ان ربک لهو المؤید الموفق العزیز الکریم جمیع یاران الهی را بکمال اشتیاق و آرزوی دل و جان تحیت میرسانم و اماء رحمانرا تحیت محترمانه برسان (ع ۶)